

عنوان مقاله:

انقلاب اسلامی ایران، نظام بین الملل و نظریه انتقادی

محل انتشار:

دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره 7، شماره 14 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

عنایت الله یزدانی - دکتری روابط بین الملل و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

داریوش قاسمی - کارشناس ارشد روابط بین الملل

صفی الله شاه قلعه * - کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

خلاصه مقاله:

انقلاب اسلامی به عنوان پدیده های سیاسی- فرهنگی پویا و رویدادی عمده در تحلیل نظام بین الملل با خط و مشی انقلابی ساختار و کارکرد نظام بین الملل را به چالش طلبیده و با ارایه اصل عدالت محوری و خداجویی در پی جایگزین کردن حقیقت اخلاق و دیانت در ساختار و کارکرد نظام بین الملل بوده و با ایدیولوژی اسلامی خود مبنی بر اصول عابد و معبود و دنیا و آخرت ساختار حاصل از تقابل نظام کمونیسم - سرمایه داری را بر تقابل ماتریالیسم و معنویت گرایی تغییر داده و با رویکردی ارزشی- انقلابی و با نفی وضع موجود خواستار ایجاد نظامی کارکردی خارج از سیستم منبعث از قدرت. ساختار، کارکرد و گفتمان حاکم را نه جوابگوی سرشت بشر بلکه عامل به بند کشیدن انسانیت می داند و با پشتیبانی از حرکت های رهایی بخش و ترویج استبدادستیزی و استکبارستیزی، مستضعفان را نوید خلیفه الهی می دهد. سوال اصلی تحقیق این است که، همان گونه که نظریه انتقادی به دگرگونی اجتماعی، چه در سطح داخلی و چه در سطح نظام بین الملل علاقه مند است، انقلاب اسلامی در چه دگرگونی در سطح داخل و نظام بین الملل داشته است در این مقاله سعی شده است از طریق روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای - اینترنتی به این سوالات پاسخ داده شود. یافته های تحقیق نشان می دهد که انقلاب اسلامی با شعار محوری نه شرقی- نه غربی ضمن سعی بر حفظ ام القری، صدور انقلاب را مبنای حرکت عدالت محور خود قرار داده و ضمن طرد قواعد حاکم بر نظام بین الملل خواستار ایجاد نظم منتهی به حقیقت بود

کلمات کلیدی:

نظریه انتقادی، انقلاب اسلامی، نظام بین الملل، تغییر وضع موجود، صدور انقلاب و ام القری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/832908>

